



# دزد دوچرخه

گارسیا مارکز

فیلم «دزد دوچرخه» (The Bicycle Thief) به کارگردانی وینتوریا دسیکا، که حالا آن را در شهر نمایش می دهند، چیزهای زیادی به ما برای تفکر درباره پیشرفت و امکانات هنر سینما، ارزانی می دارد. ایتالیایی ها درست در گوشه و کنار خیابان فیلم می سازند، بدون استفاده از استودیوها، بدون دکور و صحنه آرایه های دروغین، درست عین خود زندگی. حادثه در فیلم «دزد دوچرخه» دقیقاً همانطور روی می دهد که در خود زندگی می توان بدون اغراق گفت که فیلم «دزد دوچرخه» انسان گرا ترین فیلمی است که تا کنون ساخته شده است.

در ایتالیای ویران شده پس از جنگ جهانی دوم، دوچرخه ای به صورت یگانه وسیله ای در می آید برای یک مرد، همسرش و فرزند نه یا ده ساله آنها، تا بتوانند از وضع سهمگین تلاش برای معاش جان سالم به در برند. دوچرخه با چرخ ها و رکاب ها در فیلم یک اسطوره، یک کبریا می شود تا انسان بتواند بر گرسنگی تسلط یابد. از سادگی عنوان فیلم تا سادگی خارق العاده واپسین لحظه ها، فیلم دسیکا چیزی بیش از جست و جویی عذاب دهنده برای یک دوچرخه در خیابان های رم نیست و در آن خیابان ها دوچرخه های بی شماری یافت می شود. یکی از دوستان من که از تماشای این فیلم در یکی از درازترین و بی ترجمه ترین یکشنبه ای که هر آدم ممکنه بگذرانند، عصبانی شده بود، چند روز پیش به من گفت: «فیلم «دزد دوچرخه» مزخرف است. تمام فیلم درباره مردی است که می خواهد دوچرخه اش را پیدا

وقتی موضوعی مانند موضوع فیلم شما اینقدر جدی است، آدم چاره دیگری ندارد جز اینکه آن را به طور جدی مورد بحث و بررسی قرار دهد. آیا فیلمی که شما هم اکنون در حال اتمام آن هستید نقطه نظرهای شما را در این مورد روشن می کند؟

**گوروساوا:** نه به صورتی مستقیم. وقتی که بمباران شد من روزنامه نگار جوانی بودم و می خواستم مقالاتی در باره آنچه روی داده بود بنویسم اما این کار تا پایان اشغال ژاپن مطلقاً ممنوع شده بود. اکنون برای ساختن این فیلم، درباره موضوع تحقیقات و مطالعات زیادی کردم و حالا بیشتر از آن زمان درباره این موضوع آگاهی دارم. اما اگر می خواستم افکار و نقطه نظرهای خود را مستقیماً در فیلم مطرح کنم، نمی توانستیم آن را در ژاپن امروز یا هر جای دیگر جهان نشان دهیم.

**مارکز:** آیا فکر می کنید بتوانیم این گفت و گو را منتشر کنیم؟

**گوروساوا:** هیچ مخالفتی با این کار ندارم، برعکس، این موضوعی است که اغلب مردم جهان باید نقطه نظرهای خود را در باره آن بی هیچ محدودیتی بیان کنند.

**مارکز:** خیلی ممنونم. با توجه به همه این مسایل، فکر می کنم اگر من هم ژاپنی بودم، مانند شما، همچون خورشیدی بر این موضوع می تابیدم و آن را روشن می کردم. به هر حال، موضع شما را درک می کنم، هیچ جنگی برای هیچ کس خوب نبوده است.

**گوروساوا:** همین طور است. مشکل این است که وقتی جنگ آغاز می شود، حتی عیسی مسیح و فرشتگان هم به هیأت فرماندهان کل قوای نظامی در می آیند!